

## دعا، کلید گنجینه رحمت

انسان خطاکار، نیازمند بخشایش و عفو است.

آن که مطرود و رانده می شود، در پی آغوشی باز و پرمهر است که با آن انس بگیرد و آن که خود را در پیشگاه یک بزرگ و کریم می یابد، دوست دارد زبان به «درخواست» بگشاید، تا از کرم و بخشندگی کریم بهره مند شود.

«دعا» همان آغوش پرمهر و همان آستانه رحمت است که به روی ما باز است. همین که خداوند اذن و اجازه داده که با او صحبت کنیم و به نجوا و نیایش بایستیم و او حرفهای ما را گوش بدهد و دعای ما را اجابت کند، نهایت لطف او درباره ماست. این فرصت را باید مغتنم شمرد و تا دریچه دعا به رویمان باز است، با خالق و معبود نیایش و نجوا کرد.

حضرت علی (ع) می فرماید: «فَاعْمَلُوا وَ الْعَمَلُ يُرْفَعُ وَ التَّوْبَةُ تَنْفَعُ وَ الدَّعَاءُ يُسْمَعُ...»<sup>۱</sup>

هم اکنون عمل کنید و فرصت عمل را مغتنم شمارید، که عمل به سوی خدا بالا می رود و توبه سود می بخشد و دعا شنیده می شود و آرامش برقرار است و قلمها جاری است و در کارها پیشدستی کنید، پیش از آنکه عمر به پایان برسد یا بیماری مانع شود یا مرگ شما را برآید.

این سخن نشان می دهد که همیشه فرصت عمل و توبه نیست، همیشه هم دعا مقبول درگاه خدا قرار نمی گیرد و بعد از مرگ، نه مجالی برای عمل و دعاست و نه خواسته ای مورد توجه قرار می گیرد.

در کلام دیگری می فرماید: «ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدَيْكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَدْنَى لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ فَمَتَى شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِالْدُعَاءِ أَبْوَابَ نِعْمَتِهِ وَ اسْتَمَطَّرْتَ شَائِبَ رَحْمَتِهِ...»<sup>۲</sup>

خداوند، کلید گنجینه ها (رحمتش) را در دستان تو قرار داده است که به تو اجازه داده از او درخواست کنی تا هرگاه خواهی، درهای نعمتش را با دعا بگشایی و بارش باران رحمتش را طلب نمایی. پس اگر اجابت دعایت به تأخیر افتاد، این تأخیر تو را نا امید نسازد.

همچنان که گفته شد، یکی از بزرگترین الطاف خدا در حق بندگانش این است که به آنان اجازه راز و نیاز و سؤال از درگاهش را داده<sup>۳</sup> و بالاتر اینکه از آنان خواسته است او را بخوانند تا اجابت کند: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»<sup>۴</sup>. حکیم سبزواری چه خوش سروده است:

برداشته ام دو دست از بهر دعا ای شاه دو عالم بنگر سوی گدا

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰.

<sup>۲</sup> نهج البلاغه، نامه ۳۱.

<sup>۳</sup> در دعای افتتاح می خوانیم: اللهم اذن لي في دعائك و مسألتك... «خدایا به من اجازه داده ای که تو را بخوانم و از تو درخواست کنم.»

<sup>۴</sup> غافر، آیه ۶۰.

دادی به من اذن ذکر نامت از لطف

ور نه تو کجا و من بی رتبه کجا؟

اگر رحمت و مغفرت و رزق الهی شامل بندگان می شود، در سایه دعا و نیایش و درخواست از آستان اوست. اقتضای بندگی ما، تضرع و ناله و درخواست و اظهار نیاز است و مقتضای پروردگاری او کرم و رحمت و بزرگواری. دعا هم در این میان نقش واسطه و کلید را ایفا می کند تا بنده نیازمند را به دریای سخا و عطای الهی متصل سازد.

یک ذره ز فقر خویش اظهار کنیم      چندان که خدا غنی است، ما محتاجیم

حتی برای رفع قحطی و خشکسالی و درخواست باران نیز توصیه شده که «نماز باران» خوانده شود و تاریخ، شاهد موارد فراوانی است که بندگان با عجز و لابه به درگاه خدا نالیده اند و باران خواسته اند، خداوند هم باران رحمتش را نازل کرده است.

اگر سعادت کامیابی، عاقبت به خیری، فرزندان صالح، روزی فراوان، تندرستی و عافیت، خیر و برکت، توفیق طاعت و ترک گناه و ... از گنجینه های گرانبها به شمار می روند، کلید دست یافتن به اینها «دعا» ست و آن که روی به درگاه خدا آورد، درهای این گنجینه هم به رویش باز می شود.

در سخنان امیرمؤمنان به این حقیقت بزرگ، اشاره های فراوان شده است. از جمله در نامۀ بلندی که به فرزندش امام حسن ع نوشته است، می فرماید:

«و اعْلَمُ أَنَّ الَّذِي يَبْدُو خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ وَ تَكْفَّلَ لَكَ بِالْإِجَابَةِ وَ أَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَهُ لِيُعْطِيكَ وَ تَسْتَرْجِمَهُ لِيَرْحَمَكَ...»<sup>۱</sup>

بدان، آن خدایی که گنجینه های آسمانها و زمین در دست اوست، به تو اجازه داده که دعا کنی و اجابت را هم بر عهده گرفته است. تو را فرمان داده که از او بخواهی تا عطایت کند، از او رحمت بطلبی تا بر تو رحمت آورد و میان خودش و تو کسی را نگذاشته تا تو را از او باز دارد و تو را به واسطه ها هم حواله نداده است. اگر بد کنی، مانع توبه ات نمی شود و در کيفرت هم شتاب نمی ورزد و چون - بدو - باز گردی سرزنش نمی کند، و آنجا که سزاوار رسوا شدن هستی، رسوایت نمی کند. در قبول توبه ات نیز سختگیری نمی کند و از رحمت ناامیدت نمی سازد. بلکه همین را که از گناه دست برمی داری حسنه به شمار می آورد و هر گناه تو را یکی به حساب می آورد، ولی هر حسنۀ تو را ده برابر محاسبه می کند. در توبه و بازگشت را به رویت باز گذاشته است. وقتی صدایش بزنی می شنود، وقتی با او نجوا کنی نجوایت را می داند. تو هم نیازت را به درگاه او برده ای و شکایت به آستان او آورده ای و از او خواسته ای که رنجهایت را بزدايد و یاریت کند.

آیا اینها گواه آن نیست که دعا، کلید گنجینه های الهی است؟

خداوند، حتی چگونه دعا کردن را هم به ما آموخته است و این دلیل دیگری بر رحمت اوست. به قول مولانا در مثنوی:

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

## شوق دعا

وقتی دعا، رابطه ای عاشقانه میان بنده و خالق است و فرصتی برای گفتگو با محبوب و گشودن سفره دل با خدای رحمان است، پس باید از سر شوق و رغبت انجام گیرد و نیایشگر، از دعا به درگاه معبود، احساس خستگی و بی حوصلگی نکند و ملول نشود.

کسی که دعا می کند، از تنهایی در می آید و کلیم خدا می شود و احساس بی پناهی نمی کند.

حضرت علی (ع) می فرماید: «فَإِذَا نَادَيْتَهُ سَمِعَ نِدَاكَ وَإِذَا نَجَّيْتَهُ عَلِمَ نَجْوَاكَ»<sup>۲</sup>.

هرگاه او را ندا کنی، ندایت را می شنود و آن گاه که با او نجوا کنی، از نجوایت آگاه است.

«ندا»، صدا کردن بلند است و «نجوا»، خواندن آهسته. برای خدا دوری و نزدیکی بنده و بلندی و آهستگی صدا مطرح نیست. هم ندا را می شنود، هم نجوا را می داند و دوست دارد که صدای بنده اش را به دعا و نجوا بشنود و شاهد تماس بنده با خالقش باشد.

خدا که آن سوی خط تماس است، دوست دارد در خوشی ها هم سراغ از او بگیریم، نه فقط وقتی که گرفتار می شویم و به دردسر می افتیم. این بی معرفتی است که تنها وقتی «مضطرب» می شویم، از اورژانس دعا استمداد کنیم و انتظار کمک فوری داشته باشیم. او همیشه گوش به زنگ ماست. ماییم که گاهی از راز و نیاز و حرف زدن با او غفلت می ورزیم، یا تماس و دعوت او را بی جواب می گذاریم. شیطان هم سعی می کند رابطه ما با خدا را قیچی کند.

نیایش، مکالمه با خداست، این رابطه باید همیشگی و هم جایی و در هر حال باشد. رابطه ما با خدا نباید دچار قطع و وصل شود. اگر مشکلی هست از سوی ماست و گرنه خداوند در مرکز ملکوتی دعا، هر لحظه آماده دریافت پیام «نیاز» از سوی بندگان است. هر کس از هر جا و در هر زمان و به هر زبان می تواند با این مرکز مکالمه کند، بی آنکه خطی روی خطی بیفتد، یا بنده ای پشت خط تماس، به انتظار بماند. این ویژگی خط رابطه با پروردگار است.

حضرت امیر (ع) در وصف این رابطه می فرماید:

«لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ مِنْ يَحْجُبُكَ عَنْهُ وَ لَمْ يُلْجِئِكَ إِلَيَّ مَنْ يَشْفَعُ لَكَ إِلَيْهِ»<sup>۳</sup>.

خداوند بین خودش و تو، کسی را به عنوان «حجاب» و «مانع» قرار نداده و تو را وادار نساخته که پیش کسی بروی تا واسطه تو و خدا شود. یعنی بی واسطه و بی وقت قبلی می توانی با پروردگارت حرف بزنی و سفره دل را برایش باز کنی، ستایشش کنی، سپاسش گویی، از گناهانت معذرت بخواهی، او را بپرستی و دعا کنی و بین تو و او رابطه «نیایش» برقرار باشد. این ویژگی، شوق

<sup>۱</sup>. مثنوی، دفتر دوم، بیت ۶۹۲.

<sup>۲</sup>. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

<sup>۳</sup>. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

نیایش می آفریند و به بنده لذت مناجات با پروردگار می دهد. عطای خدا فراگیر است. هم نسبت به خداشناسان هم خداشناسان، هم نسبت به آنان که دست نیاز و دعا به درگاهش بلند می کنند، هم آنان که جاهلانه یا مغرورانه، با خدا کاری ندارند، ولی لطف خدا گسترده است و شامل همه می شود.<sup>۱</sup>

دعا، تنها برای گنهکاران نیست، خوبان هم باید به درگاهش نیایش کنند. نیز دعا مخصوص پاکان و صالحان و آبروداران در پیشگاه خدا نیست، خطاکاران و غفلت زدگان هم حق دارند و باید با آفریدگار خویش حرف بزنند و نجوا و نیایش و عذر خواهی کنند و امید بخشایش و قبول توبه داشته باشند، چرا که خدا، خدای همه است. خدای عاصیان و مطیعان!

مستحق یک نگاه، تشنه‌ی اجابتم	پای دل نهاده در مرز استجابتم
بر لبم شکفته است، غنچه‌ی نیایشم	بغض مانده در گلو بسته راه خواهم
این دل غریب من، با تو گشته آشنا	می نهد دوباره روی، سوی قبله‌ی دعا
در کویر سینه ام، چشمه‌های «ربنا» ست	بر لبم شکوفه‌ی «آت ما وعدتنا» ست
راه دیده باز هم می رسد به انتها	در قنوت صد نیاز، می زخم تو را صدا <sup>۲</sup>

### سپهر بلاها

دعا همیشه برای جلب رحمت و نعمت نیست، گاهی هم برای دفع عذاب و بلاست.

همان گونه که «سد»، گاهی برای ذخیره سازی آبها برای سیراب ساختن انسانها و مزرعه هاست و گاهی برای جلوگیری از خشم و طغیان رودخانه ها و ویرانی سیلها، «دعا» نیز گاهی موجب فراهم آمدن نعمتهای الهی و برخورداری از الطاف خداست، چه در دنیا و چه در آخرت، گاهی هم برای دور ماندن از بلاها و ابتلاها و مصونیت از عذاب و بیماری و فقر و رسوایی و پریشانی است.

درباره «سیل بند» بودن دعا، حضرت علی (ع) می فرماید:

«وَادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالْذُّعَاءِ».<sup>۳</sup>

امواج بالها را به وسیله دعا، دفع کنید.

زندگی انسان، پیوسته دستخوش رنجها و آمیخته به بلاها و گرفتاریهاست. ریشه برخی از آنها هم عملکرد خود اوست. حتی مرگهای ناگهانی (موت فجأه) و کمبودها و تنگناهای معیشتی و مرگ در جوانی، گاهی نتیجه کارهای بد انسانهاست. دعا در این

<sup>۱</sup> در دعاهای ماه رجب استیلین (ع) یُعطی مَنْ سَأَلَهُ، یا مَنْ یُعطى مَنْ لَمْ یَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ یَعْرِ فُهُ (ای خدایی که به هر که از او درخواست کند عطا می کند، ای آن که به هر که از او نخواهد و او را نشناسد، عطا می کند).

<sup>۲</sup> از نویسنده برگ و بار، ص ۲۱.

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، حکمت ۱۴۶.

میان می تواند برخی از گره ها را باز کند و بلاها را دفع نماید. در دعای کمیل (که از آموزشهای زیبای امام علی (ع) است) به خداوند عرض می کنیم:

«کم من فادحٍ من البلاءِ أفلته». چه بسیار بلاهای کمرشکن را که از من دفع کرده ای!

چه کسی باید دعا کند؟ گرفتار یا آسوده؟ فقیر یا ثروتمند؟ تندرست یا بیمار؟

چنین نیست که دعا و نیایش، مخصوص گرفتاران و مبتلایان و دردمندان و فقیران باشد، چرا که هر انسانی در هر حال، در معرض آفتها و بلاهاست و تضمینی بر تداوم نعمتها و آسودگیها و برخورداریهها نیست، از این رو همه باید دعا کنند، چه اهل بلا باشند چه اهل عافیت.

حضرت علی (ع) می فرماید:

«مَا الْمُتَّبَلِي الَّذِي قَدِ اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ بِأَخْوَجِ إِلَيَّ الدُّعَاءِ الَّذِي لَا يَأْمَنُ الْبَلَاءُ»<sup>۱</sup>.

مبتلایی که دچار بلایی سخت شده است، بیش از آسوده و تندرستی که ایمن از بلا نیست، محتاج به دعا نیست.

یعنی چنان نیست که تنها گرفتاران، نیازمند دعا باشند، بلکه صاحبان عافیت و آسودگی هم محتاج دعایند، چون هرگز ایمن از بلا نیستند و سلامتی و توانگری و رفاه، پیوسته در معرض خطر است. کافران غافل همیشه مغرور اموال و دارایی هایشان بودند و فکر می کردند که همواره در رفاه و نعمتهای مادی غوطه ور خواهند بود و قرآن، پیوسته هشدار می داد که ممکن است این نعمتها از شما گرفته شود و آن گاه کیست که برایتان فراهم آورد؟<sup>۲</sup>

احساس امنیت در برابر بلاها، آفات، حوادث، کیفرها، زلزله ها و سیلها، نشان ه غفلت آدمی است. تضرع به درگاه خدا و درخواست رفع بلاها و دفع محنتها، تنها در انسانهایی است که هم بلا را می شناسند، هم راه دفع آن را با دعا، هم قدرت خدا را بر جلوگیری و ایجاد سپر دفاعی در مقابل آنها. از این رو، در همه حال، اهل دعایند و از خدا غافل نمی شوند.

امیرمؤمنان (ع) در نامه اش به امام حسن (ع) از جمله چنین می نویسد:

« وَ شَكَوْتَ إِلَيْهِ هُمُومَكَ وَ اسْتَكْشَفْتَهُ كُرُوبَكَ وَ اسْتَعَنْتَهُ عَلَيَّ أُمُورَكَ »<sup>۳</sup>، (با دعا) اندوهها و غصه هایت را به درگاه او شکایت می بری و برای رفع مشکلات خود از او درخواست می کنی و بر کارهایت از او مدد جویی.

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، حکمت ۳۰۲ (در نسخه صبحی صالح افتادگی وجود دارد. متن فوق براساس نسخه های دیگر نهج البلاغه است).

<sup>۲</sup> از جمله ر.ک: سوره ملک، آیه ۱۶، ۱۷ و ۲۰.

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، نامه ۳۱.

از سویی آن حضرت از شکایت کردن نزد کسی که قدرت حلّ مشکلات شما را ندارد نهی می کند<sup>۱</sup> و از سویی مثل جمله «بلا از نشانه های رحمت خدا و بلاگردانی او می داند که بنده مؤمن حاجتش را با خدایش در میان گذارد و حلّ مشکل را از او بخواهد. نه آنکه از دست خدا شکایت کند، بلکه از دست مشکلات و بلاها به خدا شکایت برد و برطرف شدن آنها را درخواست کند.

نیایشگر و اهل دعا، صبح و شام و گاه و بیگاه، خزان خسته دلی را با یاد خدا به بهار و طراوت تبدیل می کند و با شمیم دعا، فضای دل و جان را گلشن می سازد و از هجوم بلاها خم به ابرو نمی آورد، چرا که معبودی گره گشا همچون «الله» دارد و می تواند در برابر بارش تیرهای بلا، از سپر دفاعی دعا استفاده کند.

## دعا و اجابت

خداوند، وعده حتمی داده است که «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم»<sup>۲</sup>.

البته معنای آن، این نیست که هر چه از دل و بر زبان ما بگذرد و به عنوان «حاجت» مطرح کنیم، بی درنگ و حتمی برآورده شود. گاهی لطف الهی نسبت به آفریده های نیایشگرش، برای ما قابل مشاهده و درک نیست، گاهی هم صلاح بنده نیست که خواسته اش برآید. گاهی دعا مستجاب می شود، ولی دیرتر از آنچه فکر می کنیم. گاهی هم درخواست ما پذیرفته می شود و خدا بهتر از آنچه را می خواهیم به ما می دهد. گاهی پذیرش دعای بنده، در قالب دفع یک بلا از اوست. گاهی هم عدم استجاب، علل و اسبابی دارد که به آنها اشاره خواهد شد.

اما... همین که خدا حال دعا و توفیق نیایش می دهد، نوعی پاسخ به خواسته های قلبی بندگان است. دعای بنده هم، پاسخی به دعوت پروردگار است. او از روی لطف و بزرگواری، بارها و به صورتهای گوناگون از ما خواسته که به طرف او رو آوریم. توفیق دعا نشانۀ توجّه او به بنده است. او دعوت کننده است. گاهی هم پذیرایی اش در قالب حال نیایش تجلّی می کند.

حضرت علی (ع) می فرماید:

در مسیر اطاعت خدا باش و با یاد او انس بگیر و به یاد داشته باش که در همان حال که تو از او روی بر می گردانی او به تو روی می آورد و در حالی که تو، به دیگران توجّه می کنی، او تو را به بخشایش خودش فرا می خواند و در دریا ی فضل و نیکی خود فرو می برد.<sup>۳</sup>

آیا اینها نشانه هایی از اجابت نیست؟

در کلام حضرت (ع) است که:

خداوند به هر کس چهار موهبت عطا کرده باشد، او را از چهار چیز محروم نمی سازد:

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵.

<sup>۲</sup>. غافر، آیه ۶۰.

<sup>۳</sup>. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۳.

به هر کس توفیق دعا دهند، از استجاب محروم نمی شود.

و به هر کس توفیق توبه دهند، از قبول محروم نمی گردد.

به هر کس توفیق استغفار دهند، از آمرزش بی بهره نمی ماند.

به هر کس توفیق شکر بدهند، از افزایش محروم نمی شود:

«مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الْجَابَةَ»<sup>۱</sup>.

در سخن دیگری از آن حضرت، چنین می خوانیم:

« مَا كَانَ اللَّهُ لِيُفْتَحَ عَلَيَّ عَبْدٌ بَابَ الشُّكْرِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ وَلَا لِيُفْتَحَ عَلَيَّ عَبْدٌ بَابَ الدُّعَاءِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الْجَابَةِ »<sup>۲</sup>.

چنین نیست که خداوند، در شکر و سپاس را به روی بنده ای بگشاید، اما در افزایش را به رویش ببندد و چنان نیست که خداوند، در دعا و نیایش را به روی بنده ای باز کند، اما در اجابت را بر وی ببندد.

گویا رابطه ای تنگاتنگ و حتمی میان شکر و زیادت، دعا و اجابت است. این وعده حتمی الهی است که هم از زبان حضرت علی<sup>۳</sup> بیان شده است و هم از سنتهای حتمی خداست، لیکن اگر گاهی دعایی به هدف اجابت نمی رسد یا شرایط دعا در آن نیست، یا به صلاح وی نمی باشد، یا زمان اجابتش فرا نرسیده است، یا علت‌های دیگری دارد که بر ما پوشیده است، وگرنه وعده الهی تخلف بردار نیست.

گفتی که مستجاب کنم گر دعا کنی      توفیق هم عطا کن و حال دعا ببخش

دل‌های ما که تیره شد از زنگ معصیت      یا رب به نور معرفت خود، صفا ببخش

علت اجابت نشدن بعضی از دعاها را در بخش‌های بعدی می خوانید.

## آداب و شرایط

دعا، مثل هر دستور دینی دیگر، آداب و شرایطی دارد.

رعایت آداب دعا و فراهم ساختن شرایط آن، هم زمین‌ه بهره‌وری از دعا را برای نیایشگر آماده می‌سازد، هم دعا را به اجابت نزدیک می‌کند، هم نشان‌ه شناخت دعا کننده از موقعیتی است که در آن قرار دارد و کاری که انجام می‌دهد.

به بعضی از این آداب اشاره می‌شود:

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۵.

<sup>۲</sup>. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۵.

۱. «اخلاص»، یکی از این شرایط است، یعنی تنها و تنها خدا را خواندن، تنها به اجابت او امید داشتن، از ریا و تظاهر خالی بودن، از صمیم قلب و عمق جان خدا را صدا زدن و عطا و حرمان و قبول یا رد را در دست او دیدن.

حضرت علی ع می فرماید: «أَخْلَصُ فِي الْمَسْأَلَةِ لِرَبِّكَ فَإِنَّ بِيَدِهِ الْعَطَاءَ وَالْجِرْمَانَ»<sup>۱</sup>.

در سؤال و درخواست از خدا خالص باش، چرا که بخشش یا محروم ساختن تنها به دست اوست.

برخی از مردم، هم از خدا می خواهند، هم امیدشان به جای دیگر و شخص دیگر یا اسباب و وسایل دیگر است. اسباب را هم خدا سبب ساز ساخته و هم ه امور به دست اوست. در دعا باید چنان حالی داشت که دل از هم بریده و تنها متوجه پروردگار باشد، همچون کشتی نشستگانی که دچار امواج و طوفان می شوند و حس می کنند که هیچ فریاد رسی ندارند و نجاتشان تنها به دست خداوند است. قرآن کریم، از این گونه دعا به عنوان «دعای مخلصانه» یاد می کند، البته با این گله و نکوهش که وقتی به ساحل امن و سلامت می رسند، باز هم از یاد خدا غافل می شوند و شرکت می ورزند.<sup>۲</sup>

کسی که در حال امنیت و سلامت و در ساحل رفاه و آسایش است نیز، باید همانند آن مضطر گرفتار، از صمیم دل و خالصانه دعا کند، چون ممکن است گرفتار بلا و مشقت گردد.

۲. آغاز به حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیامبر و خاندان او، ادب و شرط دیگر دعاست. در آغاز دعا، نعمتهای خدا را یاد کردن، او را ستودن و بر پیامبرش درود فرستادن، زمینه استجاب دعاست. خداوند و فرشتگان پیوسته بر پیامبر درود می فرستند. خداوند به اهل ایمان هم امر فرموده که بر او صلوات و سلام و تحیت بفرستند.

صلوات بر پیامبر یک دعاست، دعایی مستجاب، چون خدا بر او درود می فرستد و درخواست ما را هم در این زمینه می پذیرد.

حضرت علی ع می فرماید:

«إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانُهُ حَاجَةٌ فَأَبْدَأْ بِمَسْأَلَةِ الصَّلَاةِ عَلَي رَسُولِهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ فَإِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ حَاجَتَيْنِ فَيَقْضِيَ إِحْدَاهُمَا وَيَمْنَعُ الْأُخْرَى»<sup>۳</sup>

هرگاه نیازی به درگاه خدای سبحان داشتی، ابتدا قبل از سؤال، بر پیامبر خدا درود فرست، سپس حاجت خود را بخواه، چرا که خدا کریم تر از آن است که از او دو حاجت بخواهند، یکی را ادا کند و دیگری را نپذیرد.

می توان گفت: پیش شرط ارتباط با خدا، حمد و ثنا و صلوات است. اگر به اهل بیت معرفت و محبت داشته باشیم، «آل محمد» به ما خط می دهند، آن گاه می توانیم با چهارده خط مستقیم، با خدا مرتبط شویم.

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، نامه ۳۱.

<sup>۲</sup> عنکبوت، آیه ۶۵.

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، حکمت ۳۶۱.



۳. عمل و تلاش، از شرایط دیگر استجاب دعاست. انسان، مأمور به تلاش برای رسیدن به اهداف و مقابله با آفات دشمنان است، در کنار آن هم باید دعا کند. دعا هرگز جانشین تلاش نیست و سنت الهی بر آن نیست که انسان هم‌ه کارها را با دعا و نیایش پیش ببرد. عمل باید پشتوانه دعا باشد. مثل مراجع<sup>۱</sup> به پزشک برای درمان بیماری، تلاش اقتصادی برای پیشبرد معیشت، وقت گذاشتن برای تحصیل علم، جنگیدن با دشمن در میدان، که همراه آنها دعا برای شفا و رزق و علم و پیروزی هم باید باشد.

امیرالمؤمنین<sup>۲</sup>، دعای بدون عمل را همچون هدف گیری و تیراندازی بدون زه و کمان می داند که بی ثمر است: «الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ»<sup>۱</sup>.

اگر گفته اند: از تو حرکت از خدا برکت، اشاره به همین حقیقت است. مثلاً کسی که برای کنکور درس می خواند، هم باید تلاش علمی کند، هم توجه و مسألت از خدا. اگر بدون درس خواندن، فقط بخواهد با دعا در امتحان قبول شود، بیهوده است و اگر فقط تکیه بر درس خواندنش کند و مغرور گردد و کار را تمام شده بداند، باز هم ممکن است ناموفق بماند، چون عوامل بسیار دیگری وجود دارد که گاهی پیش بینی نشده است و موجب عدم توفیق می گردد.

۴. «تقوا» عامل دیگری برای استجاب دعاست. آن که خدا ترس و پروا پیشه باشد، احتمال اجابت دعایش بیش از فرد لابلای و بی تقواست که هم گناه می کند، هم انتظار دارد خداوند دعاهایش را بپذیرد.

در سخن علی<sup>۲</sup> در نامه ای که به محمد ابن ابی ابکر نوشته است و در بخشی از آن ویژگیهای متقین و اولیای خدا را برمی شمرد، می خوانیم: «لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ وَ لَا يَنْقُصُ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنْ لَدُنِّي»<sup>۲</sup> نه دعای آنان رد می شود، نه بهره آنان از لذت آخرت کاسته می گردد.

آن که عمری گوش به حرف خدا داده و مطیع اوامر الهی بوده است، وقتی هم از خدا خواهی کند، خدا درخواست او را رد نمی کند. پس متقین، دعای مستجاب دارند و تقوا شرط پذیرش دعای بندگان است.

۵. دعا در زمان و مکان خاص، از عوامل دیگر استجاب دعاست. گاهی مکانها و زمانهای خاص که از قداست ویژه ای برخوردارند، در استجاب دعا مؤثرند. مثلاً روز جمعه، شب جمعه، شب قدر، شب مبعث، عرفات، حرم امام حسین<sup>۲</sup> کنار کعبه و ... در استجاب دعا نقش دارد. چه بهتر که دعا در این شرایط زمانی و مکانی ویژه و با مراعات این گونه شرایط صورت گیرد که به استجاب نزدیک تر باشد.

نوف بکالی یکی از یاران خاص امیرالمؤمنین<sup>۲</sup>، شبی آن حضرت را در حال نیایش و دعا دید، در حالی که از بستر فاصله گرفته، در تاریکی شب به ستارگان نگاه می کرد و به مناجات با پروردگارش مشغول بود. آن حضرت در سخنی که اهمیت نیایش و دعا را در زندگی یک بنده بیان می کرد، فرمود:

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، حکمت ۳۳۷.

<sup>۲</sup> همان، نامه ۲۷.

ای نوف! داود<sup>۱</sup> در چنین ساعتی در شب به عبادت و نیایش برمی خاست. این، ساعتی است که هر بنده ای خدا را بخواند و در این ساعت دعا کند، دعایش پذیرفته می شود: «إِنَّهَا لَسَاعَةٌ لَا يَدْعُو فِيهَا عَبْدٌ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ»<sup>۱</sup>.

از نگاه آن حضرت، دعا در سحرگاهان و در دل شب، به اجابت نزدیک تر است. البته در کلام وی کسانی استثنا شده اند، از جمله آنان که عمل و شغلشان مایه آزار مردم و ظلم و اجحاف به بندگان الهی یا آمیخته به مفسد و منکرات است.

زمان در دعا مؤثر است، به شرط آنکه موانع استجابت در کار نباشد و خداوند مصلحت را در نپذیرفتن دعا نداند.

۶. از آداب و شرایط دیگر دعا، «استمرار دعا» و داشتن حالت نیایش در غم و شادی و راحت و رنج و فقر و غنا و سلامتی و بیماری است، پیوسته احساس بندگی و نیاز کردن و پیوسته به یاد خدا بودن و از او مدد خواستن و گشایش و رحمت طلبیدن. این ادب عبودیت و شرط بندگی است.

امیرالمؤمنین<sup>۲</sup> در کلامی ضمن نهی و نکوهش از یک سلسله کارها و افراد، می فرماید:

«لَا تَكُنْ مِمَّنْ... إِنَّ أَصَابَهُ بَلَاءٌ دَعَا مُضْطَرًّا وَ إِنَّ نَالَهُ رَخَاءٌ أَعْرَضَ مُعْتَرًّا»<sup>۲</sup>.

از کسانی مباش که اگر بلایی به او برسد، مضطربانه دعا می کند، اما اگر آسایش و رفاهی به او برسد، مغرورانه از خدا رویگزان می شود.

۷. معرفت و شناخت خدا، ادب دیگر نیایش است. بیشتر اشاره شد که پیش از طرح نیازها، خوب است به حمد و ثنای الهی پردازیم. این نشانه معرفت انسان نسبت به عظمت، قدرت و نعمت الهی است. خداوند هم عطا و بخشش را بر پایۀ معرفت و نیت انسان می دهد: «إِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَيَّ قَدْرُ النَّيَّةِ»<sup>۳</sup>.

دعا در سیره اهل بیت چنین بوده است. در دعاهایی که از امامان رسیده، می بینیم که ابتدا و بی مقدمه، حاجت خود را نمی خواستند، بلکه زمینه چینی می کردند، خدا را به اسماء حسنی و قدرت و رحمتش قسم می دادند و اوصاف الهی را برمی شمردند. در یکی از دعاهای حضرت علی<sup>۴</sup> در نهج البلاغه (در ضمن عهدنامه او خطاب به مالک اشتر چنین آمده است:

«أَنَا أَسْأَلُ اللَّهَ بِسَعَةِ رَحْمَتِهِ وَ عَظِيمِ قُدْرَتِهِ عَلَيَّ إِعْطَاءِ كُلِّ رَغْبَةٍ أَنْ يُوفِّقَنِي وَ إِيَّاكَ لِمَا فِيهِ رِضَاةٌ...»<sup>۴</sup>

من از خدا می خواهم به رحمت گسترده و قدرت بزرگش بر انجام هر گونه درخواست، که من و تو را به آنچه خشنودی او در آن است توفیق دهد.<sup>۵</sup>

این گونه شروع در دعا، در ایجاد حالت جدی در طرح نیازها مؤثر است و اطمینان بیشتری برای اجابت الهی در دل نیایشگر پدید می آورد.

۸. شکسته دلی، خشوع قلبی، مظلومیت و ندامت، از شرایط دیگری است که در اثر گذاری دعا نقش دارد.

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، حکمت ۱۰۴.

<sup>۲</sup> نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰.

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، حکمت ۳۱.

<sup>۴</sup> نهج البلاغه، نامه ۵۳.

<sup>۵</sup> خدایا چنان کن که انجام کار

تو خشنود باشی و ما رستگار

امام علی (ع) در نهی از ستم بر بندگان الهی، در عهدنامه مالک اشتر بر این نکته تأکید می فرماید که از ستم بر بندگان خدا بپرهیزد، چرا که خدا به دفاع از آنان می پردازد و هیچ چیز در تغییر نعمت الهی و تعجیل در کیفر پروردگار، مؤثرتر از استمرار بر ستمکاری نیست، چرا که خداوند، شنوای دعا و نفرین مظلومان زجر دیده است.<sup>۱</sup>

گاهی تنها یک «یا رب» خالصانه، یک آه برخاسته از دل، یک قطره اشک ندامت، یک دل شکسته و یک توسل بی ریا ما را به خدا وصل می کند و دعا را به هدف اجابت می رساند.

ادب و آداب دعا را بیاموزیم، آن گاه دعا کنیم و انتظار اجابت داشته باشیم.

یکه ذله باشیم، نه صد دله. با اخلاص خدا را بخوانیم، اگر شاهد استجاب نشدیم، آن گاه گله کنیم.

### عوامل تأخیر استجاب

گاهی دعاها یا مستجاب نمی شوند، یا دیر به اجابت می رسند.

همه رمز و رازهای عدم استجاب یا دیر مستجاب شدن دعا برای ما شناخته شده نیست. حکمت و مصلحت خدا را هم باور داریم. اما باید توجه داشت که عملکرد ما در استجاب یا عدم استجاب آن بی تأثیر نیست.

برخی گناهان دعا را نگه می دارد و مانع اجابت می شود. به تعبیر حضرت علی (ع) در دعای کمیل: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدَّعَاءَ»، خدایا! بر من گناهی را ببخشای که دعا را حبس می کند.

گاهی دعاها مستجاب می شود، اما دیر. گاهی هم مواعی در دعا، در دعاکننده، در جامعه، در خانواده، در غذا، در دوستان و... است که به آن هدف نمی رسیم و دعا به اجابت نمی رسد.

اگر «أَمَّنْ يَجِيبُ» که رمز اجابت است، نتوانست خطاً ما را با خدا مرتبط سازد، باید دید کدام گناه و غفلت موجب قطع تماس شده است. گاهی قساوت دل و غذاهای حرام و دوستان ناباب، در رابطه ما و خدا اختلال ایجاد می کنند و خطوط تماس را می پوسانند و مانع برآورده شدن دعا می شوند.<sup>۲</sup>

حضرت علی (ع) بر پای این که دعا حتماً مستجاب است و وعده الهی خلاف نیست، عوامل تأخیر در استجاب را چنین برمی شمارد:

«فَلَا يَقْنَطَنَّكَ إِبْطَاءُ إِجَابَتِهِ فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَيَّ قَدْرُ النَّبِيِّ وَ رَبِّمَا أَخَّرْتُ عَنْكَ الْإِجَابَةَ لِيَكُونَ ذَلِكَ أَعْظَمَ لِأَجْرِ السَّائِلِ وَ أَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْأَمَلِ وَ رَبِّمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا تُؤْتَاهُ وَ أُوتَيْتَ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ أَجَلًا أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ فَلَرُبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَكَ دِينُكَ لَوْ أُوتِيْتَهُ ...»<sup>۳</sup>.

اگر اجابت دعا و خواسته ات به تأخیر افتاد، تو را نومید نسازد، چرا که عطا به اندازه نیت است. چه بسا اجابت دعایت به تأخیر می افتد، و این برای آن است که که پاداش بزرگ تر و عطای فراوان تر برای دعا کننده و آرزومند باشد و گاهی

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، نامه ۵۳.

<sup>۲</sup> در کشور دل، ملال پیش آمده است در سیستم ارتباطی ما و خدا

بین دل و دین جدال پیش آمده است  
چندی است که اختلال پیش آمده است  
(برگ و بار، ص ۳۰۱)

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، نامه ۳۱.

چیزی را می طلبی ولی به تو داده نمی شود و بهتر از آن را در دنیا یا آخرت به تو می دهند، یا بهتر بوده که از تو بازداشته اند و چه بسا آنچه را که طلب کرده ای اگر به تو داده شود، تباهی دین تو در آن خواهد بود... .  
 چه خدای مهربانی! که خیر و مصلحت بنده را بیش از خودش، هم می داند و هم می خواهد.  
 گاهی خداوند، صدای دعا و نیایش و ضجّه و ناله بنده اش را دوست دارد و برآوردن خواسته را به تأخیر می اندازد تا این صدای محبوب و دوست داشتنی و این حالت مقدس و عبادی و عرفانی را بیشتر بشنود و ببیند. همین نیز مایه برکت و انس و قرب برای «بنده» است.

من کی ام؟ محتاج برق یک نگاه	بنده ای افتاده در چاه گناه
رشته عفو نجاتم می دهد	چشمه جودت حیاتم می دهد
دوست داری اشک چشم بنده را	ریه های بنده شرمنده را
بارش لطف تو پاکم می کند	آتش قهر تو خاکم می کند
من فقیرم، من حقیرم، من اسیر	با دیگر از کرم دستم بگیر

نه هر برآوردن خواسته ای، دلیل لطف و احسان است و نه هر تأخیر یا عدم قبول حاجتی، گواه بی میلی و بی اعتنایی. مهم آن است که بنده، به شرط بندگی عمل کند و روی نیازخواهی اش به سوی معبود بنده نواز باشد، چه حاجتش برآید یا برنیاید.

ما وظیفه دعا داریم. بقیه کار را به آفریدگار واگذار می کنیم که خیرخواه بندگان و دانا به صلاح و فساد آنان و آغاز و فرجام کارشان است.

گاهی انسان چیزی می خواسته، به او نداده اند. پس از مدتی می فهمد که مصلحتش نبوده و همان بهتر که دعایش مستجاب نشده است. چه کسی از پشت پرده غیب خبر دارد؟ از کجا که اجابت فوری دعا، بنده را به غفلت و فراموشی خدا دچار نسازد و رابطه اش را با معبود قطع نکند!

از نگاه امیرالمؤمنین، گاهی عامل اجابت نشدن دعا، ترک وظیفه مهم امر به معروف و نهی از منکر است، وی در وصیتی که به فرزندانش در بستر شهادت داشت، می فرماید:

«لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلِّي عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ»<sup>۱</sup>

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، که نتیجه آن حاکمیت یافتن بدان و اشرار بر شماست. آن گاه دعا می کنید، ولی دعایتان مستجاب نمی شود.

برای برقراری دوباره این ارتباط، هم باید هزینه آن را که توبه و عمل صالح است پرداخت، هم برای وصل شدن خط تماس، تعهد سپرد که از حلم و صبر و ستاریت خدا سوء استفاده نشود، وگرنه همیشه خطر اختلال و قطع ارتباط وجود دارد، آن هم از سوی ما، نه از طرف خدای مهربان.

بیایا به جانب خدای خویش رو کنیم	گل حضور و نور را به باغ عشق بو کنیم
خدا بزرگ و بی نیاز و ما فقیر و کوچکیم	بیایا که با خدای خویش گفتگو کنیم <sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، نامه ۴۷.

## چه بخواهیم؟

آنچه در دعاها و نیایشها گفته می شود، بخشی ستایش و ثنای الهی است، بخش مهم تر و عمده تر درخواست حاجت از خداوند و طرح نیازمندیها به درگاه اوست که قدرت رفع آنها را دارد.

هر کس به تناسب سطح فکر و افق اندیشه و معرفتش از خدا حاجت می طلبد. حاجتها بعضی ساده و کوچک و فردی و مادی است، برخی هم بزرگ و متعالی و معنوی و جمعی. ما اگر خودمان باشیم، شاید درخواستهای حقیر و ناچیز از خداوند بطلبیم. اما اگر در چگونه دعا کردن و چه خواستن به مکتب اولیای الهی برویم، سطح خواسته هایمان متعالی تر خواهد شد. آنان در دعا هم الگوی مايند.

دعاهایی که از امامان معصوم به دست ما رسیده، از ارزنده ترین معارف و نوعی آموزش دعا کردن و سخن گفتن و نیازخواهی از خداوند است. این دعاها به ما می آموزد که از پروردگاران چه بخواهیم، ما را با ارزشهای والاتر آشنا می کند و دید ما را وسیع تر و بینش ما را عمیق تر می سازد و خواستنی های خوب تری را بر زبان ما جاری می کند. چه خوب است که انسان دعا خواندن و حاجت خواستن را هم از امامان بیاموزد که نگاهشان به سعادت ابدی انسان و کمال اخلاقی و معنوی است و برترین خواسته ها را در ادعیه طرح کرده اند.

امام علی (ع) در توصیۀ خویش به فرزندش امام مجتبی (ع) می فرماید:

«فَلْتَكُنْ مَسْأَلَتَكَ فِيمَا يَنْقِي لَكَ جَمَالَهُ وَ يُنْفِي عَنْكَ وَبَالُهُ فَالْمَالُ لَا يَنْقِي لَكَ وَ لَا تَبْقَى لَهُ»<sup>۲</sup>.

خواسته ات از خدا درباره چیزهایی باشد که نیکی آن برایت پایدار می ماند و سختی و رنج آن از تو برداشته می شود. مال و ثروت، چیزی است که نه آن برای تو می ماند و نه تو برای آن می مانی!

یعنی درخواستهای متعالی تر از امور مادی و پول و ثروت باشد و چون وجود تو پس از مرگ هم استمرار دارد، برای آن مراحل بخواه که ماندگار است، نه چیزهایی که به انسان وفا نمی کند و چون ناپایدار است، شایسته محبت و مهرورزی و علاقه مندی هم نیست.

خواجه عبدالله انصاری گوید:

یارب، دل ما را تو به رحمت جان ده      درد همه را به صابری درمان ده

این بنده نداند که چه می باید خواست      داننده تویی، هر آنچه خواهی آن ده

امام علی (ع) در همان نامۀ بلندی که به فرزندش امام حسن (ع) نوشته است، یادآور می شود که:

«فَأَفْضَيْتَ إِلَيْهِ بِحَاجَتِكَ وَ أَبْتَسَّتَهُ ذَاتَ نَفْسِكَ وَ شَكَّوْتَ إِلَيْهِ هُمُومَكَ وَ اسْتَكْشَفْتَهُ كُرُوبَكَ وَ اسْتَعَنْتَهُ عَلَيِ أُمُورِكَ وَ سَأَلْتَهُ مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِهِ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيِ إِعْطَائِهِ غَيْرُهُ مِنْ زِيَادَةِ الْأَعْمَارِ وَ صِحَّةِ الْأَبْدَانِ وَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ»<sup>۳</sup>.

بر انجام کارهایت از خدا یاری و استعانت جسته ای و از گنجینۀ رحمتش حوایجی را خواسته ای که جز پروردگار، در توان کسی نیست که آنها را عطا کند، همچون: عمر طولانی، صحت بدن و تندرستی و وسعت رزق.

<sup>۱</sup> برگ و بار، ص ۲۶.

<sup>۲</sup> نهج البلاغه، نامه ۳۱.

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، نامه ۳۱.

و این مطلب نشانگر این است که عمر طولانی - به شرط آنکه در مسیر بندگی حق باشد - و تندرستی و وسعت رزق، از جمله خواسته های خوب و مطلوب است، علاوه بر اینکه اینها خواسته هایی است که تأمین آنها تنها به دست خداست و جز او کسی نیست که به ما روزی وسیع و بدن سالم و عمر طولانی عطا کند.

در همان وصیتنامه بلند، از جمله می فرماید: «أَكْثِرِ الْإِسْتِخَارَةَ»، از خدا زیاد خیر بخواه.

استخاره، غیر از آنچه میان مردم رایج است و برای تصمیم گیری در کارهای مهم به استخاره روی می آورند، معنای واقعی آن «طلب خیر» است. خوب است انسان همیشه و در هر کاری از خدا «خیر» بطلبد، چون معمولاً ما از همۀ امور و پشت صحنه ها خبر نداریم و برخی اسرار و حکمتها بر ما پوشیده است و چون به همه چیز احاطه نداریم، گاهی ممکن است آنچه می خواهیم برای ما خیر نباشد. چه بهتر که انسان علاوه بر به کار بستن فکر و تدبیر و مشورت، همیشه استخاره کند، یعنی دعا کند که آنچه خیر است برایش پیش آید و آنچه خیر است به فکرش خطور کند و آنچه خیر است بر زبان مشاور جاری شود و همیشه خیر و خوبی برایش مقدر گردد.

از این جهت، استخاره نوعی دعاست و حضرت بر چنین دعا و خواسته ای تأکید می فرماید.

همۀ نعمتها مادی نیست و همۀ خواستنی ها هم در دنیا خلاصه نمی شود. باید افق دید را وسیع تر کرد و برترین خواسته ها را از دعاهای حضرت علیؑ آموخت و همانها را از خدا طلبید. این همه تأکید بر خواندن دعاهای مأثوره (نقل شده از ائمه) به همین خاطر است.

آن حضرت در دعایی می فرماید:

«سَأَلُ اللّٰهَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَجْعَلَ لَنَا وَ لِآبَائِنَا وَ لِأُمَّتِنَا وَ لِأُمَّةٍ بَعْدَ الْمَوْتِ نَدَامَةً وَ لَا كَابَةً»<sup>۱</sup>.

اینها هم خواسته های مهمی است. برخی کم ظرفیتند. به محض آنکه وضع مادی و رفاهی شان خوب شد، بدمستی و طغیان می کنند و با کمترین چیزی خدا را از یاد می برند و در آخرت هم دستاوردی جز ندامت و غم نصیبشان نمی شود. آن حضرت در مورد فتنه (آزمایش الهی) و دعا برای برحذر ماندن از آن می فرماید:

«هیچ یک از شما چنین نگوید که «خدایا من از فتنه و امتحان به تو پناه می برم». چرا که هیچ کس نیست مگر آنکه دچار فتنه می شود (و از سنتهای الهی است) لیکن هر کس می خواهد پناه ببرد، پس به خدای متعال، از فتنه های گمراه کننده پناه ببرد.»<sup>۲</sup>

یعنی بخواهد که در امتحانهای الهی پیروز و سربلند باشد، نه آنکه اصلاً مورد امتحان الهی قرار نگیرد، چون آزمون، یک برنامه همگانی خداست.

ایمنی و سرافرازی در آزمایشهای الهی خواسته مهمی است، زیرا:

خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

«سلامت دین» از جمله خواسته های متعالی است که پیوسته باید از خدا بخواهیم.

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، خطبه ۶۴.

<sup>۲</sup>. نهج البلاغه، حکمت ۹۳.

اگر وضع مادی ما خوب باشد و اگر سلامتی بدن داشته باشیم، اما از نظر اعتقادی و دینی دچار مشکل شویم، باز هم باخته ایم، چرا که درستی دین و ایمنی عقیده از آفات، به مراتب برتر از تندرستی یا ثروتمندی است. این است که حضرت امیر<sup>۱</sup> چنین دعا می کند:

«نَسْأَلُكَ الْمُعَافَاةَ فِي الْأَذْيَانِ كَمَا نَسْأَلُهُ الْمُعَافَاةَ فِي الْأَبْدَانِ»<sup>۱</sup>.

از او سلامتی و عافیت در دین را می طلبیم، همان گونه که عافیت جسمی و تندرستی را از او می خواهیم. همین را هم که «چه بخواهیم؟» باید از خدا بخواهیم که زبان نیازخواهی و فکر حاجت طلبی ما را به آنچه خیر ماست و به بهترین خواسته ها گویا سازد و هدایت کند و اندیش ه ما را به نیازهای برتر متوجه سازد. در یکی از دعاهای حضرت امیر آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّ فَهَيْهْتُ عَنْ مَسْأَلَتِي أَوْ عَمِيْتُ عَنْ طَلْبَتِي فَذَلَّنِي عَلَيَّ مَصَالِحِي وَ خَذُ بِقَلْبِي إِلَيَّ مَرَاثِدِي»<sup>۲</sup>.

خداوند، اگر زبانم از سؤال و درخواست ناتوان والکن است، اگر از شناخت خواسته ام کوردلم، خودت به آنچه مصلحت من است راهنمایی ام کن و دلم را به سمت و سوی آنچه مای ه رشد و هدایت من است متوجه فرما.

در پایان یکی از خطبه های آن حضرت نیز این دعا دیده می شود که الگویی برای خواسته های برتر است:

« نَسْأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ مَعَايِشَةَ السُّعَدَاءِ وَ مِرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ »<sup>۳</sup>.

از خداوند درجات شهیدان و همنشینی با سعادتمند و رفاقت با پیامبران را می خواهیم.

روشن است که جایگاه شهیدان بهشت است، اهل سعادت هم زندگی خدایی و پاک دارند، مرافقت و دوستی و همنشینی با پیامبران الهی هم در سای ه خلوص و عمل صالح و بندگی نصیب انسان می شود. حضرت با این سه خواسته، مجموعه ای از برترین و ارزنده ترین «خواسته» ها را به ما آموخته است.

### نور افشانان عصر تاریکی

همیشه در تاریخ بشریت و ادوار پیشین، کسانی بوده اند که با خدانشناسی و پرستش و دعا و ذکر، حجت خدا در روی زمین به شمار رفته اند و این «راه نورانی» و منتهی به خدا را می شناخته اند.

امام علی<sup>۴</sup>، وقتی آی ه «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ ...»<sup>۴</sup> را تلاوت می کرد، از آنان به عنوان «اهل ذکر» یاد می نمودند، کسانی که خداوند، «ذکر» را مای ه روشنی دل و شنوایی گوش جانیشان قرار داده و در دوره های فترت (فاصله های زمانی میان پیامبران) که رسول و رسالت و دعوتی در کار نبوده است، خداوند با آنان در خلوت دلشان و ضمیر بیدارشان نجوا داشته و چهر ه جانیشان را به سمت و سوی حق متوجه می ساخته است.

آن گاه از ویژگیهای این بندگان خاص نمونه هایی را یاد می کند، از جمله اینکه:

« آنان، چراغهای روشننگر آن ظلمتها و راهنمای آن حرّرت ها و شبهه ها بودند... تجارت و داد و ستد، آنان را از یاد خدا غافل نمی ساخت، مردم را به حرامهای الهی یادآور می شدند و به قسط و عدل دستور می دادند و از منکرات نهی می

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، خطبه ۹۹.

<sup>۲</sup> نهج البلاغه، خطبه ۲۲۷.

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، خطبه ۲۳.

<sup>۴</sup> نور، آیه ۳۷.

کردند، چشم دلشان به روی حقایق هستی و صحنه های آخرت و قیامت باز بود... با خواندن خدا و با نیایش، امید وزیدن نسیم عفو و بخشایش الهی را داشتند، در گرو نیازمندی به رحمت و احسان الهی و اسیر و گرفتار جذبۀ عظمت خدا بودند، اندوه بسیار و گریه های طولانی، دلپایشان را مجروح و چشمانشان را آزرده بود، برای هر دری از درهای خداجویی، دستی کوبنده آن در داشتند و از خدایی مسألت می کردند که بخششهای بسیار، او را به تنگنا نمی افکند و خواهندگان از درگاهش محروم بر نمی گردند.<sup>۱</sup>

این، گوشه ای از سیمای اهل ذکر و مناجات بود که از عنایت ویژه الهی برخوردار بودند و حتی در دوران فاصله بین دعوتهای پیامبران، راه بندگی و دعا و نیایش را به الهام الهی آموخته بودند و در میان مردم، مشعل هدایت به شمار می رفتند و صاحبخبرانی بودند که هم رهرو بودند، هم راهبر.<sup>۲</sup>

سیمای اصحاب پیامبر ﷺ

یادکردن از اصحاب پیامبر و مسلمانان پاکبازی که در محضر آن حضرت در رکاب وی در جبهه های نبرد بودند، همیشه برای همگان مایۀ الهام و الگوگیری است. امام علی (ع) در یکی از خطبه ها که از سستی و بی حالی برخی یارانش گله می کند و از اینکه خسته اش کرده اند زبان به شکوه می گشاید، با حسرت از مسلمانان پیش کسوت و مبارزی یاد می کند که در زمان رسول خدا (ص) زندگی می کردند، اهل تلاوت قرآن و جبهه رزم بودند و با روحیه شهادت طلبی و با شمشیرهای آخته، گروه گروه به جبهه نبرد عزیمت می کردند، از حالات روحی و معنوی و دعا و نیایش آنان این گونه یاد می کند:

«مَرَّةُ الْعُيُونِ مِنَ الْبُكَاءِ خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الصِّيَامِ دُؤْلُ الشَّفَاةِ مِنَ الدَّعَاءِ صَفْرُ الْأَلْوَانِ مِنَ السَّهْرِ عَلَيَّ وَجُوهِهِمْ غَبْرَةٌ الْخَاشِعِينَ»<sup>۳</sup>.

چشمهایشان از فرط گریه آسیب دیده بود، شکمهایشان در اثر روزه داری لاغر شده بود، لبهایشان از دعا و نیایش خشکیده و پوست انداخته و رنگهایشان از شب زنده داری زرد شده و غبار فروتنی بر سیمایشان پدیدار بود. این ویژگی، یعنی جمع عرفان و حماسه و اشک و جهاد و رزم روزانه و نیایش شبانه، صفت آن تربیت یافتگان مکتب پیامبر بود و شوق خدا و عشق بندگی، این گونه شبهایشان را با شجرآغ نیایش و اشک و دعا روشن ساخته بود. در سخنی دیگر می فرماید:

« اصحاب محمد (ص) را دیده ام، هیچ یک از شما را نمی بینم که همانند آنان باشد! روز، ژولیده موی و غبار آلود بودند، آنان شبها را به نوبت، در سجده و عبادت به صبح می آوردند و صورتهای و پیشانیها بر خاک می نهادند و از یاد قیامت چنان آشفته بودند که گویی بر پاره آتش می نهادند و از یاد قیامت چنان آشفته بودند که گویی بر پاره آتش گذاخته ایستاده اند ... و چون یاد خدا می شد، چندان می گریستند که گریبانشان از اشک دیده تر می گشت...»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲.

<sup>۲</sup> ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱.

<sup>۴</sup> نهج البلاغه، خطبه ۹۷.

تا راهرو نباشی، کی راهبر شوی؟ (حافظ)



از این رو انتظار آن حضرت از یاران و همراهانش آن بود که همانند مسلمانان نخستین، اهل توجه و نیایش و گریه و خشوع به درگاه خدا باشند.

### نیایشهای علوی

بیشتر هم اشاره شد که نهج البلاغه، در بردارنده حکمت‌هایی گرانقدر درباره دعا و راه و روش آن، همچنین «خواستنه» های والایی است که از زبان حضرت علی (ع) بیان شده و می‌تواند برای همه ما سرمشق خوبی برای «چه خواستن» باشد. در مباحث گذشته، برخی از این دعاها یاد شد.

حضرت امیر (ع)، در خلال دعا‌های خویش، معارف ناب و زلالی را به ما آموخته است. چه در لابه لای خطبه‌ها و چه در پایان خطبه‌ها و نامه‌ها، گاهی به دعا‌هایی از زبان و قلم آن حضرت برمی‌خوریم که در خور تأمل بیشتری است و همراه با دعا، حمد و ثنای الهی و بیان اوصاف پروردگار هم به چشم می‌خورد.

در اینجا نمونه‌هایی از آن دعاها آورده می‌شود تا الگویی برای نیایشهای اهل دعا و مشتاقان معارف علوی باشد.

#### ۱- دعای سفر

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَغْتَاءِ السَّفَرِ وَ كَابَةِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ أَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَ لَا يَجْمَعُهُمَا غَيْرُكَ»

«خدايا! به تو پناه می‌برم از سختی سفر و اندوه بازگشت و به تو پناه می‌برم از اینکه به هنگام بازگشت ببینم که به زن و فرزند یا دارایی ام آسیبی رسیده باشد. خدايا! تو همدم من در مسافرت و جانشین من در میان خانواده منی و جز تو کسی مصاحبت با من و جانشینی در خانواده را یکجا جمع نمی‌کند.»<sup>۱</sup>

#### ۲- از دعا‌های آن حضرت که بسیار می‌خواند:

«خداوندا، به تو پناه می‌برم که در قلمرو بی‌نیازی تو نیازمند شوم یا در هدایت تو گمراه گردم، یا در پناه تو بر من ستم روا دارند یا در حالی که به دست تو و برای توست، خوار گردم.

خدايا، جانم را نخستین نعمت ارزشمندی قرار بده که می‌ستانی و اولین ودیعه‌ای قرار بده که از نعمتهای خویش از من باز پس می‌گیری.

خدايا، جانم را نخستین نعمت ارزشمندی قرار بده که می‌ستانی و اولین ودیعه‌ای قرار بده که از نعمتهای خویش از من باز پس می‌گیری.

خدايا، به تو پناه می‌بریم که از سخت رویگردان شویم، یا از دینت گمراه گردیم، یا هوسهای نفسانی پیاپی، ما را از هدایتی که از جانب تو ارزانی شده، در پی خود بکشاند.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، خطبه ۴۶.

### ۳- نیایش طلب باران

«خدایا، ما از خانه ها و زیر چادرها و پس از شنیدن ناله ها چهارپایان تشنه و گریه دلخراش کودکان گرسنه به سوی تو بیرون آمده ایم، و به رحمت و نعمت تو امید بسته ایم و از عذاب و انتقام بیمناکیم. خدایا باران رحمت خود را بر ما بباران و مایوسمان مکن و دچار قحطی مگردان و به کرده سفیهان و نابخردانمان ما را مؤاخذه مکن.

خدایا، به سوی تو بیرون آمده ایم و از آنچه بر تو پوشیده نیست نزد تو شکایت داریم. سختیها و تنگناها ما را به زحمت انداخته و قحطی و خشکسالی ما را به اینجا کشانده و خواسته های دشوار، ناتوانمان کرده است و بلاهای پی در پی بر ما نازل گشته است. از تو می خواهیم ناامید و محرومان نکنی و گناهانمان را به رخمان نکشی. خدایا باران و برکت را بر ما ببار و از رزق خویش عطایمان کن...»<sup>۲</sup>

### ۴- دعا در آغاز جنگ صفین

«ای خدای آسمان برافراشته، اگر ما را بر دشمنان پیروز ساختی، ما را از تجاوزگری بازدارد و توفیق ده که به حق عمل کنیم و اگر آنان را بر ما پیروز ساختی، «شهادت» را روزی ما گردان و ما را از فتنه مصون بدار.»<sup>۳</sup>

### ۵- از جمله دعاهاى آن حضرت چنین بود:

«خداوندا، آنچه را که تو از من بدان آگاه تری بر من ببخشای، و اگر دوباره به آن بازگردم تو نیز به بخشایش بازگرد. خدایا آنچه از اعمال نیکو که تصمیم گرفتم و انجام ندادم، ببخشای. خداوندا! ببخشای آنچه را که با زبان به سوی تو تقرب جستیم اما دلم مخالفت کرد. خدایا اشارات نگاهها و سخنان بیهوده و تمایلات دل و لغزشهای زبان را بر من ببخشای.»<sup>۴</sup>

### ۶- دعا برای دشمنان

«خدایا، خونهای ما و خونهای آنان را (از بیهوده ریخته شدن) حفظ کن، میان ما و آنان صلح برقرار ساز، آنان را از بیراهه و گمراهی شان هدایت کن.»<sup>۵</sup>

### ۷- نفرین برای دشمنان

« خداوندا، اگر حق را نپذیرفتند، پس گروهشان را در هم شکن، آنان را دچار تفرقه کن و به جرم خطاهایشان نابودشان ساز، چرا که آنان جز با ضربه های پی در پی از مواضع خود تکان نمی خورند.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵.

<sup>۲</sup> نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳.

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، خطبه ۱۷۱.

<sup>۴</sup> نهج البلاغه، خطبه ۷۸.

<sup>۵</sup> نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶.

## ۸- دعا برای توانگری و آبرومندی

«خداوند! با توانگری آبرویم را حفظ کن و با تنگدستی و فقر، مرا از چشمها نینداز، آن چنان که مجبور شوم از جویندگان رزق تو روزی بخواهم و از آفریدگان بد کردارت عاطفه و محبت بجویم و به ستایش کسی دچار شوم که به من عطایی ارزانی داشته و به نکوهیدن آن کس فریفته گردم که بخشش خود را از من باز داشته است.»<sup>۲</sup>

۹- دعا در پاسخ گروهی که او را ستایش کردند:

«خداوند! تو مرا از خودم بهتر می شناسی و من خود را از آنان بیشتر می شناسم. خدایا، ما را بهتر از آن قرار بده که گمان می کنند و آنچه را که از ما نمی دانند، ببخشای.»<sup>۳</sup>

۱۰- دعا در پرهیز از دورویی:

«خدایا، به تو پناه می برم از اینکه در چشم مردم ظاهرم نیکو نماید، اما درونم در آنچه از تو نهان می دارم به زشتی گراید و با همۀ آنچه که از تو درون من می دانی، ریاکارانه ظاهرم را برای مردم حفظ کنم، ظاهری آراسته نشان مردم دهم و با رفتار ناپسندم با تو روبه رو شوم، به بندگانت تقرّب جویم و از رضای تو دور گردم!»

این نمونه ها، گوشه ای از دعاهای حضرت امیر U و نیایشهای علوی را نشان می دهد که گواه همت والا در دعا و خواسته های متعالی در نیازخواهی از کردگار است. البته نیایشهای علوی در کتب دعا بسیار فراوان و زیباست و آنچه در نهج البلاغه آمده است و بخشی از آن آورده شد، مطالبی است که در لابه لای خطبه ها و نامه ها و کلمات قصار به طور ضمنی آمده است، نه آنکه دعاهای مستقل آن حضرت باشد.

برای این منظور، کافی است دعای کمیل، دعای صباح و مناجات آن حضرت در مسجد کوفه مورد توجه قرار گیرد تا روح عاشقی علی U و زمزمه های شبانۀ مولا اندکی شناخته شود و جلوه ای از اشکهای علی U که چشمۀ نجواش راز و نیاز بود، نمایان گردد و آهنگ مناجاتهای علی U که راز عبودیت را به عارفان می آموخت، گوش جان را بنوازد و دلها را صفا بشد.

یارب، ز تو آنچه من گدا می خواهم

افزون ز هزار پادشا می خواهم

هر کس ز در تو حاجتی می خواهد

من آمده ام، از تو، تو را می خواهم<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، خطبه ۱۲۴.

<sup>۲</sup> نهج البلاغه، خطبه ۲۲۵.

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، حکمت ۱۰۰.

<sup>۴</sup> مناجات نامه، خواجه عبدالله انصاری.